

پژوهش حاضر با تمرکز بر دو جرم معین، به بررسی تأثیر میزان خودکنترلی بر میزان مصرف مواد و الکل در میان دانشجویان پرداخته است. برای دستیابی به این هدف ابتدا با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی از بین دانشگاه‌های سراسری شهر تهران انتخاب و در مرحله بعد، تعداد ۴۱۶ نفر از دانشجویان این دانشگاه‌ها به صورت در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌های مورد نظر برای آنها اجرا شد. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس و لیزرل استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مقیاس خودکنترلی از شش عامل اشیاع شده است و مدل نظری ساختار عاملی با داده‌های پژوهش برازش قابل قبولی نشان داده است. نتایج همچنین نشان داد که خودکنترلی دانشجویان در حد متوسط بوده است. شایع‌ترین مواد مصرفی نیز، میان دانشجویان پسر «سیگار» و بین دختران «قلیان» بوده است. نتایج آزمون تی نشان داد که بین دختران و پسران از حیث مصرف مواد و الکل تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که مصرف مواد و الکل در بین دانشجویان پسر بیشتر از دختران است. در نهایت مدل معادلات ساختاری نشان داد که تمام مؤلفه‌های خودکنترلی پایین، به جز مؤلفه «ابراز خشم»، می‌توانند تغییرات مصرف مواد و الکل دانشجویان را تبیین کنند؛ بنابراین خودکنترلی یکی از عوامل مهم و مؤثر، تبیین‌کننده مسئله مصرف مواد و الکل دانشجویان است.

■ واژگان کلیدی:

نظریه عمومی جرم، خودکنترلی، مصرف الکل، مصرف مواد

تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان

اکبر علیوردی‌نیا

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران
aliverdinia@umz.ac.ir

عرفان یونسی

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی
erfan.y.89@gmail.com

مقدمه

ماهیت پیچیده مسائل اجتماعی ایجاب می‌کند تا در برخورد و شناخت آنها، با تکمیل نظریات موجود و با اتکاء به یافته‌های نوین، دایره شناخت خود را گسترش دهیم. شناخت و درک درست از وضعیت روابط اجتماعی می‌تواند به ما در درک بهتر علل رفتارهای که جرم محسوب می‌شوند، یاری رساند. افزایش نگرانی‌های عمومی درباره مسائل مختلف اجتماعی از این‌رو که خسارت و صدمات وارده بر پیکره جامعه روند رو به افزایشی یافته و هم از آن جهت که گاهی مقابله با آن نیز روز به‌روز دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود، شناخت علمی و دقیق مسائل اجتماعی را ضروری می‌سازد.

ارتکاب جرم، از جمله پدیده‌هایی است که همه جوامع انسانی از دیرباز با آن مواجه بوده و کمابیش مشکلات و مسائل ناشی از آن را تجربه کرده‌اند. شناخت دقیق و علمی این پدیده، با تکمیل نظریات موجود و با اتکاء به یافته‌های نوین، اقدامی ضروری است که می‌تواند تصویری درست از وضعیت موجود ارائه کند و از طریق شناسایی عواملی که بر شکل‌گیری جرائم مؤثر است، به ما در جهت مقابله با آن یاری رساند. بنا بر تشخیص اولویت، تمرکز این مطالعه بر دو نمونه از مهم‌ترین جرائم و انحرافات اجتماعی دانشجویان یعنی مصرف مواد و الکل بوده است.

مصرف «الکل و دیگر مواد^۱» در حال حاضر یکی از معضلات مهم اجتماعی عصر حاضر است که گسترش جهانی پیدا کرده است و هر روز بر شمار قربانیان آن افزوده می‌شود و عوارض آن شامل اختلالات روانی، جسمانی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همه مرزهای فرهنگی و اجتماعی را در می‌نوردد و سلامت بشر را مورد تهدید قرار می‌دهد. آمارهای جهانی نشان می‌دهد که علیرغم تمامی فعالیت‌های آگاه‌سازی، پیشگیری، درمان و توانبخشی، گستره استفاده از مواد رو به افزایش است. در حدی که امنیت سیاسی اقتصادی و اجتماعی بسیاری از کشورهای جهان را به‌خطر انداخته است (جزایری، ۱۳۸۱). در این میان آسیب‌پذیرترین گروه جوانان هستند (سراجزاده و فیضی، ۱۳۸۶) و تمایل به آسیب‌ها و در واقع آسیب‌پذیری اجتماعی با اقتضائات سن جوانی بیشتر سازگار است. طبق گزارش ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۶) بالاترین میزان سوءمصرف مواد در دامنه سنی ۲۷-۲۱ سال مشاهده می‌شود.

مطالعات همه‌گیرشناسی^۱ حاکی از وجود سوء‌مصرف فراوان مواد در بین دانشجویان برخی کشورهاست؛ مثلاً گزارش شده است که در ایالات‌متحده ۸۵/۲ درصد دانشجویان الکل، ۳۹/۸ درصد سیگار، ۲۶/۴ درصد ماری جوانا، ۵/۲ درصد کوکائین، ۴/۹ درصد مواد توهم‌زا و ۴/۹ درصد آمفتامین مصرف می‌کنند (سرگلزایی و همکاران، ۱۳۸۲). کرد میرزا و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهشی که بر روی دانشجویان رشته‌های مختلف در سطح دانشگاه‌های تهران به‌انجام رسانده‌اند به این نتیجه دست یافتند که ۱۶/۳ درصد دانشجویان رشته‌های هنر، ۸/۸۵ درصد دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، ۶ درصد دانشجویان فنی و مهندسی و ۵ درصد دانشجویان رشته پزشکی به مصرف مواد اذعان دارند. همچنین بوالهروی و همکاران (۱۳۸۵) شیوع مصرف سیگار، قلیان، مشروبات الکلی، حشیش، قرص‌های اکس، تریاک، هرویین، کراک و شیشه را در میان دانشجویان دانشگاه تهران به ترتیب ۲۴/۲، ۳۹/۹، ۱۷، ۲/۲، ۰/۷، ۲/۳، ۰/۲ و ۰/۷ درصد گزارش کرده‌اند. بدیهی است که شناخت واقع‌گرایانه از این مسئله اجتماعی ضروری است و در صورتی که برنامه‌های کاهش مصرف مواد و الکل در میان جوانان بر اساس تحقیقات پژوهشی و بر مبنای علمی طراحی نشود و اگر نگاه ما به مسئله جرائم مرتبط با مصرف مواد و الکل صرفاً مقابله‌ای باشد، هیچ موفقیتی در این عرصه حاصل نخواهد شد (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۵). بدین لحاظ بررسی علمی و روشمند این مسئله می‌تواند کمکی به درک این پدیده باشد. بر این اساس در این پژوهش با تکیه بر مفروضات نظریه عمومی جرم، که از جدیدترین نظریه‌ها در حوزه جرم‌شناسی است، به تبیین مسئله مصرف مواد و الکل در میان دانشجویان پرداخته شده است. پژوهشگران این حوزه در خارج از کشور طی دهه اخیر در تحقیقات متعدد به نظریه عمومی جرم توجه روزافزونی داشته‌اند. در ایران نیز طی چند سال اخیر برخی محققان در تحقیقات خود از این نظریه بهره برده‌اند. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش بررسی تأثیر میزان خودکنترلی بر میزان مصرف مواد و الکل در میان دانشجویان بوده است. در همین راستا فرضیه تحقیق را می‌توان این‌گونه عنوان کرد که خودکنترلی و مؤلفه‌های آن بر میزان مصرف مواد و الکل در دانشجویان تأثیر دارد.

واکاوی پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که در رابطه با سوء مصرف مواد و الکل مطالعات

متعددی انجام شده است که هر کدام جوانی از این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند. اغلب این تحقیقات با رویکردهای پزشکی و برخی نیز با رویکردهای جامعه‌شناسی انجام یافته‌اند ولی به‌واسطه فقدان یک برنامه ملی استراتژیک و راهبردی بلندمدت جهت مبارزه با مصرف مواد و الکل در کشور، این مطالعات اغلب پراکنده، سلیقه‌ای و موردی و فاقد اهداف معطوف به تدوین برنامه‌های پیشگیری بوده‌اند (محسنی‌تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹). در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که در این خصوص در میان دانشجویان به‌انجام رسیده است اشاره می‌شود:

مقصودی (۱۳۸۴) «شیوع مصرف مواد مخدر و مواد الکلی در بین دانشجویان پسر دانشگاه گیلان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آنها» را مورد بررسی قرار داده است. براساس یافته‌ها، مواد مخدر و الکل به‌ترتیب توسط ۱۲ و ۲۴ درصد از دانشجویان حداقل یک‌بار مصرف شده است. سراجزاده و فیضی (۱۳۸۶) در پژوهشی به‌بررسی مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی پرداخته‌اند. اطلاعات مورد نظر تحقیق از طریق پژوهش پیمایشی و با استفاده از تکنیک خودگزارشی با یک نمونه ۲۵۳۱ نفری از دانشجویان دختر و پسر ۲۱ دانشگاه دولتی سراسر کشور جمع‌آوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ۶۰ درصد دانشجویان تریاک و حدود ۲۰ درصد حشیش و هرویین را از نزدیک دیده‌اند، درحالی‌که مواد مخدر جدید را حدود ۵ درصد و کمتر از نزدیک دیده‌اند. مصرف حداقل یک‌بار مشروبات الکلی و تریاک در طول عمر به‌ترتیب ۲۰ و ۱۰ درصد بوده است.

محمدخانی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای توانایی مدل تلفیقی مصرف مواد را در پیش‌بینی مصرف مواد در مورد افراد در معرض خطر مورد ارزیابی قرار داد. براساس این مدل ساختاری، مصرف مواد در نوجوانان و جوانان ناشی از اثر مجموعه‌ای از عوامل محیطی و فردی در تعامل با آسیب‌پذیری‌های روان‌شناختی از قبیل خودپنداره ضعیف، فقدان مهارت‌های اجتماعی و جرأت‌مندی و مهارت‌های خودکنترلی بوده است.

شمس‌علیزاده و همکاران (۱۳۸۷) به‌بررسی «شیوع مصرف مواد در دانشجویان علوم پزشکی کردستان» در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ پرداخته‌اند. این مطالعه که با استفاده از روش سرشماری صورت گرفته است، نشان می‌دهد که سابقه مصرف یک‌بار یا بیشتر در طی عمر در مورد الکل ۱۷/۱ درصد، حشیش ۷/۴ درصد، تریاک ۴/۸ درصد، هروئین ۰/۷ درصد، اکستازی ۰/۱ درصد و سایر مواد ۰/۲ درصد بوده است. سهرابی و همکاران

(۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بررسی مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه پیمایشی نشان می‌دهد که، نسبت دانشجویانی که حداقل یک‌بار در طول عمر قلیان، سیگار، مشروبات الکلی و تریاک مصرف کرده‌اند، به ترتیب ۳۰، ۲۰، ۱۳ و ۱/۸ درصد و نسبت مصرف در ۱۲ ماه گذشته، به ترتیب ۲۰/۷، ۱۳/۹، ۱۰ و ۱/۵ درصد بوده است.

خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به «بررسی رابطه نگرش دینی و خودکنترلی با گرایش به مصرف مواد در دانشجویان» پرداخته‌اند. نمونه این تحقیق متشکل از ۳۸۶ دانشجوی پسر دانشگاه تهران بوده است که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده بودند. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان داده که بین سطح دینداری فرد و گرایش به مصرف مواد رابطه منفی معنادار و بین خودکنترلی پایین و گرایش به مصرف مواد رابطه مثبت معنادار وجود داشته است. نتایج این پژوهش همچنین نشان داده است که دانشجویان مستعد سوءمصرف مواد نسبت به دانشجویان غیرمستعد سوءمصرف مواد خودکنترلی پایین‌تری دارند. بشیریان و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با یک نمونه ۶۵۰ نفری از دانش‌آموزان پسر شهر همدان به بررسی رابطه خودکنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف مواد مخدر پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش مؤید این بود که رابطه معنی‌دار بین خودکنترلی با سابقه مصرف مواد و قصد مصرف مواد و نگرش نسبت به مواد مخدر وجود دارد. در نتیجه نهایی این تحقیق خودکنترلی به‌عنوان عامل کلیدی در گرایش به مصرف مواد شناخته شده است.

علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی پیمایشی با نمونه ۵۳۰ نفری از دانشجویان به بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حدود نیمی از نمونه این تحقیق دارای نگرش منفی و نیمی دیگر دارای نگرش مثبت و میانه نسبت به الکل بوده‌اند. نتایج تحقیق نیز حاکی از رابطه مستقیم و معنادار متغیر خودکنترلی و متغیرهای باور و التزام تحصیلی با نگرش نسبت به مصرف الکل بوده است. علیوردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان «تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران» انجام داده‌اند. در این تحقیق پیمایشی ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. چارچوب نظری تحقیق عبارت از نظریات برچسب‌زنی، نظریه خودکنترلی،

نظریه فشار عمومی و نظریه پیوند اجتماعی بوده است. داده‌های توصیفی این تحقیق نشان می‌دهد که در تمامی ابعاد مختلف متغیر گرایش به الکل، میان دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود داشته است؛ به عبارتی در تمامی ابعاد (شناختی، رفتاری و عاطفی) مردان گرایش بیشتری به مصرف مواد مشروبات الکلی داشته‌اند. بر اساس تحلیل داده‌های این پژوهش متغیرهای خودکنترلی، پیوستگی به مذهب، پیوستگی تحصیلی و برجسب رسمی دارای تأثیر معناداری بر گرایش به مصرف الکل بوده‌اند.

صرامی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی، تحقیقات شیوع‌شناسی مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران طی دو دهه اخیر را مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس نتایج این تحقیق مصرف مواد طی دو دهه اخیر در برخی مواد با شیب نسبتاً ثابتی پیش رفته است. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پس از سیگار و قلیان، بیشترین ماده مصرفی در بین دانشجویان الکل است و پس از آن به ترتیب تریاک، حشیش، هروئین و سایر مواد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

براساس پژوهش‌های متعدد در دانشگاه‌های کشورهای صنعتی، دانشجویان به انحاء مختلف تجربه انواع مواد و الکل را داشته‌اند. الکل اولین و بیشترین ماده مصرفی در میان دانشجویان است که تقریباً ۴۴ درصد دانشجویان از آن استفاده کرده‌اند. ماری‌جوانا دومین ماده مصرفی دانشجویان آمریکاست که تقریباً ۲۸ تا ۳۴ درصد سابقه مصرف آن را داشته‌اند و وابستگی دانشجویان به توهم‌زاها ۷/۴ درصد، آمفتامین ۷/۱ درصد، کوکائین ۵/۴ درصد و به اکستازی ۴/۴ درصد به ترتیب در مراتب بعدی قرار می‌گیرد (طارمیان و دیگران، ۱۳۸۶). در میان تحقیقات خارجی مرتبط با مسئله مصرف مواد و الکل و سایر انحرافات در میان جوانان، پژوهش‌های بسیاری نیز از نظریه عمومی جرم گاتفردسون و هیرشی حمایت کرده‌اند (نگاه کنید به: آرنیکلو^۱ و دیگران، ۱۹۹۳؛ برونفیلد و سورنسن^۲، ۱۹۹۳؛ لانگ‌شور و تورنر^۳، ۱۹۹۸؛ پولاکاوسکی^۴، ۱۹۹۴؛ وود^۵ و دیگران، ۱۹۹۳ و گراسمیک^۶ و دیگران، ۱۹۹۳). تحقیقات صورت گرفته با استفاده از مقیاس طراحی شده توسط

1. Arneklev
2. Brownfield & Sorenson
3. Longshore & Turner
4. Polakowski
5. Wood
6. Grasmick

گراسمیک^۱ (۱۹۹۳) نشان می‌دهد رابطه معکوسی بین خودکنترلی و اعمال مجرمانه وجود دارد. گراسمیک دریافت که خودکنترلی ضعیف با قانون شکنی رابطه دارد. آرنکلو و همکارانش (۱۹۹۳) نیز دریافتند خودکنترلی و رفتار انحرافی رابطه دارند. همچنین پیکرو و تیبِتس^۲ (۱۹۹۶)، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خودکنترلی را بر روی بیش از ۶۵۰ دانشجو آزمون کردند و نتیجه این بود که این آزمون شواهدی محکمی را برای تأیید رابطه بین رفتار جنایی و خودکنترلی پیدا کرد.

در فراتحلیلی که پرات و کالن^۳ (۲۰۰۰) انجام دادند، دریافتند که از میان ۲۱ بررسی تجربی، خودکنترلی ضعیف، اندازه تأثیر ۲۶ درصد را دارد و این اندازه تأثیر، صرف‌نظر از مقیاس‌های متفاوت سنجش خودکنترلی و اعمال سایر متغیرهای کنترلی، همچنان معنادار باقی مانده است. از این‌رو، آنان ادعا کردند که خودکنترلی ضعیف، یکی از قوی‌ترین همبسته‌های جرم است (پرات و کالن، ۲۰۰۰). همچنین ساسمن^۴ و همکاران (۲۰۰۳)؛ به‌نقل از خدایاری‌فرد و دیگران، (۱۳۸۸) در پژوهش خود که با یک نمونه ۱۰۵۰ نفری انجام گرفت نشان دادند که بین مصرف سیگار، الکل، ماری‌جوانا و دیگر مواد با خودکنترلی پایین رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. وازونی و کراسویت^۵ (۲۰۰۴) نیز با نمونه‌ای که شامل دانش‌آموزان مدرسه‌های دولتی می‌شد و دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین و سکونت روستایی بودند و از درجه ۷ تا ۱۲ طبقه‌بندی شده بودند، دریافتند که خودکنترلی به‌طور ثابت پیش‌بینی‌کننده انحراف دختران و پسران بود.

چیونگ و چیونگ^۶ (۲۰۰۸) تحقیقی با عنوان «خودکنترلی، عوامل اجتماعی و بزهکاری: آزمون نظریه عمومی جرم در میان نوجوانان هنگ‌کنگی» انجام دادند. هدف از تحقیق حاضر این بود تا قدرت پیش‌بینی‌کنندگی نظریه خودکنترلی بر روی بزهکاری در بافت جامعه چین مورد بررسی قرار گیرد. نمونه این تحقیق شامل ۱۰۱۵ از نوجوانان مدارس متوسط هنگ‌کنگ بوده است. یکی از انواع بزهکاری‌هایی که مد نظر محققان این تحقیق بوده است، فراوانی مصرف مواد الکل می‌باشد که نتایج حاکی از تأیید نظریه خودکنترلی در تبیین مصرف مواد و الکل در بافت جامعه چین بوده است. در این تحقیق

1. Grasmick
2. Piquero & Tibbetts
3. Pratt & Cullen
4. Sussman
5. Vazsonyi & Crosswhite
6. Cheung & Cheung

همچنین، رابطه بین خودکنترلی و عناصر پیوند اجتماعی، همنشینی افتراقی، فشار و برچسب مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد، خودکنترلی با همه این عوامل اجتماعی رابطه مستقیم داشته است. نوجوانانی که خودکنترلی ضعیفی داشتند، پیوندهای اجتماعی ضعیفی نیز داشتند.

چیونگ^۱ (۲۰۱۰) تحقیقی تحت عنوان «فشار، خودکنترلی و تفاوت جنسیتی در بزهکاری در بین نوجوانان چینی: توسعه نظریه عمومی فشار» انجام داده است. هدف از تحقیق حاضر این است تا نظریه فشار عمومی را برت اگنو، در همراهی با دو متغیر خودکنترلی (گاتفردسون و هیرشی) و متغیر جنسیت مورد بررسی قرار گیرد. تعداد ۱۰۱۵ نوجوانان چینی به‌عنوان جمعیت نمونه تحقیق انتخاب شدند. مطابق با نظریه خودکنترلی در این تحقیق میزان خودکنترلی دختران بیشتر از خودکنترلی پسران بوده است. آن بخش از تحقیق که مربوط به نقش خودکنترلی در رابطه با بزهکاری می‌باشد نشان‌دهنده این است که دخترانی که دارای خودکنترلی بالایی بودند میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه و بالتبع مصرف الکل در آنها کمتر بوده است. در مقابل، پسرانی که خودکنترلی ضعیفی داشتند گرایش شدیدی تری به سمت رفتارهای انحرافی داشتند. بنابراین آن بخش از نظریه خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی مبنی بر اینکه خودکنترلی بالا فرد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، در این تحقیق مورد حمایت تجربی قرار گرفت.

ورا و مون^۲ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «آزمون تجربی نظریه خودکنترلی پایین در میان جوانان اسپانیایی» در صدد بوده است تا با استفاده از نظریه خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی به انواعی از رفتارهای بزهکارانه در بین جوانان اسپانیایی بپردازد. بدین منظور تعداد ۲۷۷ نوجوان دبیرستانی به‌عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. نتایج مربوط به این تحقیق بیانگر این است که خودکنترلی پایین اثر معناداری بر روی انواع متنوع رفتارهای بزهکارانه - از جمله الکلیسم و مصرف مواد - داشته است. بنابراین نتیجه این تحقیق موافق با پیش‌بینی‌های نظریه خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی است مبنی بر اینکه هر قدر خودکنترلی در فرد ضعیف‌تر گردد، فرد در رفتارهای بزهکارانه بیشتری درگیر می‌شود.

1. Cheung
2. Vera & Moon

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری پژوهش حاضر به‌طور مشخص نظریه خودکنترلی یا نظریه عمومی جرم^۱ گاتفردسون و هیرشی می‌باشد. در این نظریه که تراویس هیرشی و میشل گاتفردسون در سال ۱۹۹۰ در تعدیل و بازسازی نظریه کنترل اجتماعی هیرشی مطرح کردند، مفاهیم نظریه کنترل با دیدگاه‌های زیست اجتماعی، روان‌شناختی، فعالیت روزمره و نظریه‌های انتخاب عقلانی ترکیب می‌شود (سیگل^۲، ۲۰۰۱: ۲۹۴) و از این جهت نظریه خودکنترلی در مقایسه با نظریه کنترل اجتماعی (پیوند) هیرشی، دیدگاهی کامل‌تر است (ولش^۳، ۱۳۸۹). این نظریه‌پردازان ادعا می‌کنند که خودکنترلی، نظریه‌ای عمومی است که همه جرائم را در همه زمان‌ها تبیین می‌کند (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۸۹ و ولد، ۱۳۸۰). این نظریه مستقل از فرهنگ است و با توجه به این نظریه می‌توان رفتارهای انحرافی یا مجرمانه را در تمامی فرهنگ‌ها یا گروه‌های قومیتی و نژادی پیش‌بینی کرد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱). گاتفردسون و هیرشی از نظریه قبلی هیرشی مبنی بر اینکه تداوم پیوندهای اجتماعی، مانع از رفتار انحرافی می‌شود، فاصله گرفته و این باور را مطرح کردند که خودکنترلی، که در سال‌های نخست زندگی، درونی می‌شود، مشخص می‌کند که چه افرادی مرتکب جرم خواهند شد (گراسمیک، ۱۹۹۳: ۷). کودکانی که مشکلات رفتاری دارند، معمولاً به بزهکاران نوجوان و در نهایت به بزرگسالان مجرم تبدیل می‌شوند. از آنجا که مسیر جرم یا دور شدن از آن، از اوایل زندگی شروع می‌شود، این عقیده را مطرح کردند که سطح خودکنترلی، به کیفیت تربیت کودک توسط والدین در سال‌های نخست کودکی بستگی دارد. به عبارت دیگر، این نظریه، بیانگر آن است که تربیت والدین، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سطح خودکنترلی است. در صورتی که کودکی با سوءاستفاده یا غفلت تربیت شود، معمولاً تکانه‌ای غیرحساس، جسمانی (و نه ذهنی)، خطرپذیر، کوتاه‌نگر و کم‌صحت شده و معمولاً مرتکب رفتارهای مجرمانه مذکور خواهد شد (ولش، ۱۳۸۹). از نظر گاتفردسون و هیرشی، تمایل به ارتکاب جرم، بستگی به سطح خودکنترلی دارد؛ به طوری که خودکنترلی پایین، احتمال بیشتری برای درگیر شدن فرد در رفتار انحرافی به همراه دارد؛ در حالی که خودکنترلی قوی، احتمال درگیر شدن در جرم را اندک می‌کند (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱)، بنابراین

1. General Theory of Crime

2. Siegel

3. Welch

مفهوم اصلی این دیدگاه «خودکنترلی پایین»^۱ است. افرادی که خودکنترلی پایین دارند در شش ویژگی مشترک‌اند:

شتاب‌زدگی^۲: اشخاصی که خودکنترلی پایین دارند ویژگی‌های متفاوتی دارند. آنان به دنبال خشنودی فوری و آنی‌اند، مفهوم کامروایی تأخیری، به آن معنی که لذت‌ها و پاداش‌ها تا فرصتی مناسب‌تر به تأخیر افتاده یا کاملاً تغییر یابند، به کلی برایشان بیگانه است. برعکس، خودکنترلی بالا نیاز به توانایی به تعویق انداختن خشنودی دارد.

راحت‌طلبی^۳: افرادی که خودکنترلی پایین دارند، از تکالیف و تصمیمات پیچیده اجتناب ورزیده و ترجیح می‌دهند که از شیوه‌های آسان یا ساده برای برآوردن خواسته‌هایشان استفاده کنند. جرم پول بدون کار و رابطه جنسی بدون عشق‌بازی را برایشان فراهم می‌کند.

جسمانیت^۴ (ترجیح فعالیت‌های جسمانی): اشخاصی که خودکنترلی پایین دارند پایداری کمی در زندگی‌شان دارند. به سبب جرائم در کار، دوستی‌ها یا زندگی خانوادگی پایداری ندارند. برای ارتکاب جرم نیاز به توانایی و برنامه‌ریزی چندانی نیست، بنابراین، اشخاصی که خودکنترلی پایین دارند، نیاز به کسب مهارت‌های آکادمیک ندارند، آنها ترجیح می‌دهند فعالیت جسمانی خود را حفظ نمایند.

خطرپذیری^۵: آنها خطرکنندگانی عالی هستند و تمایل به تحریک و تکانش دارند، آنها از برکف‌گرفتن زندگی خود لذت می‌برند و به جای یکنواختی و امنیت، هیجان و خطر را می‌جویند، آنان نیازهایشان را از راه ارتکاب جرم برآورده می‌کنند؛ از طریق ارتکاب اعمالی که هیجان‌آور و خطرناک‌اند. در مقابل، اشخاصی که خودکنترلی بالا دارند گرایش به احتیاط، شناخت و واکنش‌های زبانی (نه فیزیکی) دارند.

خودمحوری^۶: آنها به نیازها، خواسته‌ها و امیال شخصی خود اهمیت داده و نیازها و خواسته دیگران از جمله افراد مهم نظیر خویشاوندان و دوستان را نادیده می‌گیرند. به‌طور کلی این افراد، خودمحور، بی‌تفاوت و بدون حساسیت به رنج و نیازهای دیگران‌اند.

1. Low Self-control
2. Impulsivity
3. Simple Tasks
4. Physical Activities
5. Risk Seeking
6. Self-centeredness

ابراز خشم^۱: افراد با خودکنترلی پایین، تحمل کمی در برابر ناکامی دارند و به پاسخ‌های درگیرانه، تجاوزگرانه و فیزیکی (و نه زبانی) برای کنترل موقعیت در زمان مواجهه با موقعیت‌ها یا وقایع ناراحت‌کننده، گرایش دارند.

این افراد برای درگیری در فعالیت‌های مجرمانه در سراسر زندگی‌شان، مستعدتر از افرادی‌اند که خودکنترلی بالا دارند (وینفری^۲، ۱۳۸۸؛ حسینی‌نثار و فیوضات، ۱۳۹۰ و گراسمیک و دیگران، ۱۹۹۳). براساس مفروضات نظریه خودکنترلی افراد با هدف کسب لذت و احتراز از رنج، مرتکب جرم می‌شوند؛ گاتفردسون و هیرشی در پاسخ به این سؤال که چرا مردم مرتکب جرم می‌شوند، می‌گویند: «پاسخ ساده است، زیرا جرم و فعالیت‌های مشابه ارضاءکننده‌اند» (پرت و کالن، ۲۰۰۰: ۹۳۱). افرادی که درگیر جرائم هستند، در رفتارهای مشابهی نیز دخالت دارند که موجب التذاذ کوتاه‌مدت می‌شود؛ سیگار کشیدن، مشروب خوردن، قماربازی، روابط جنسی غیرمسئولانه و رانندگی با سرعت غیرمجاز، نمونه‌هایی از رفتارهای پرخطر مشابهی هستند که در افراد مجرم که به‌دنبال لذت آنی هستند، بروز می‌کند. این نظریه پردازان همچنین معتقدند «جرم موجد ارضای خاطر سریع و آسان فرد کج‌رفتار می‌شود و کسی مرتکب جرم می‌شود که به‌دنبال ارضای خاطر سریع است و هدف‌های کوتاه‌مدتی در زندگی دارد و این‌گونه افراد، برخلاف هم‌نویان، خودکنترلی ضعیفی دارند و علاوه بر اینکه احتمال کج‌رفتاری‌شان بیشتر است، تمایل بیشتری به مصرف الکل، سیگار و... نیز دارند. از نظر آنان، منشأ خودکنترلی ضعیف را باید در خانواده و ناکارآمدی جامعه‌پذیری فرد در دوران کودکی یافت، خواه پیوند اجتماعی قوی یا ضعیف باشد» (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷-۹۰ و حسینی‌نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

نظریه خودکنترلی، بیان می‌کند که فقدان خودکنترلی برای بروز جرم شرط کافی و لازم نیست؛ زیرا، دیگر ویژگی‌های فرد، یا موقعیت وی، ممکن است احتمال بروز رفتار انحرافی را در وی کاهش دهد (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۵۳). این نظریه‌پردازان به‌طور ضمنی اظهار داشته‌اند: «مقصود این نیست که اینها نوع خاصی از فعالیت را پیش‌بینی کند، چون رفتار منحرفانه، ماهیتاً فرصت‌طلبانه است، بنابراین، هرگاه تمام امور دیگر مساوی باشد، خودکنترلی پایین و پیوند ضعیف با جامعه به‌طور مثبت و معنی‌دار، انواع رفتارهای منحرف و مجرمانه را پیش‌بینی می‌کند» (پولاکاوسکی، ۱۹۹۴: ۶۲). فقدان خودکنترلی و نقش

1. Temper
2. Winfree

خانواده در عدم تکامل آن، بدان معنا نیست که فرد حتماً انحراف پیدا خواهد کرد، بلکه، این امر شرایطی را به وجود می‌آورد که زمینه را برای بزهکاری مساعد می‌کند. گاتفردسون و هیرشی، نقش والدین را به عنوان اساسی ترین منبع تربیت کودکان بیان می‌کنند (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷). آنچه بر رفتار انحرافی تأثیر مستقیم دارد، جنسیت، نژاد، یا سن یک فرد نیست، بلکه این عوامل به طور غیرمستقیم بر میزان اجتماعی شدن فرد توسط والدین اثر می‌گذارند. با این حال، رابطه سن و جرم نشان داده است که برای برخی از جرایم، متغیر سن ممکن است نتیجه مستقیم فقدان خودکنترلی باشد (گرین برگ^۳، ۱۹۹۴: ۳۷۲).

روش

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی و از نوع مقطعی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه و تکنیک خودگزارشی استفاده شده است. جمعیت تحقیق این پژوهش عبارت است از کلیه دانشجویان دختر و پسر که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ در دانشگاه‌های سراسری تهران مشغول به تحصیل بوده‌اند. برای انتخاب نمونه پژوهش ابتدا با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده، دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی از بین دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انتخاب شدند؛ سپس ۴۴۰ نفر از دانشجویان این دو دانشگاه به صورت در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه در میان دانشجویان، توزیع گردید. سرانجام، پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، ۴۱۶ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. البته باید خاطر نشان شود که چون نمونه‌گیری از این دو دانشگاه صورت گرفته می‌باید تعمیم نتایج به سایر دانشجویان با احتیاط صورت پذیرد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های «مصرف مواد و الکل» و «خودکنترلی» می‌باشد. پرسشنامه محقق ساخته مصرف مواد و الکل یک پرسشنامه پنج سؤالی می‌باشد که مصرف سیگار، قلیان، مواد مخدر، مشروبات الکلی و روانگردان‌ها را در برمی‌گیرد و به صورت طیف شش درجه‌ای به صورت «هرگز» (نمره ۱)، «یک بار» (نمره ۲)، «۲ تا ۴ بار» (نمره ۳)، «۵ تا ۷ بار» (نمره ۴)، «۸ تا ۱۰ بار» (نمره ۵) و «بیش از ۱۰ بار» (نمره ۶) طراحی شده است. پرسشنامه خودکنترلی نیز ابتدا توسط گراسمیک (۱۹۹۳) در قالب طیف لیکرت چهار درجه‌ای طراحی شده است. این پرسشنامه در ایران توسط علیوردی‌نیا (۱۳۸۸) به فارسی ترجمه شده و مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر نیز این متغیر

در قالب طیف لیکرت شش گزینه‌ای از «کاملاً مخالف» (نمره ۱) تا «کاملاً موافق» (نمره ۶) طراحی شده است.

به منظور بررسی اعتبار محتوایی ابزار مصرف مواد و الکل دانشجویان، پس از احصاء شاخص‌های مربوط به این متغیر، پرسشنامه مورد نظر در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران و متخصصان امر در حوزه مورد نظر قرار گرفت و نظر صاحب‌نظران در خصوص اعتبار آن مثبت بوده است. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش دارای اعتبار محتوایی و صوری کافی بوده است. شایان ذکر است که اعتبار محتوا جنبه عقلی و منطقی دارد و نتیجه را نمی‌توان به صورت یک ضریب عددی تعیین نمود. در نهایت، جهت بررسی اعتبار سازه ابزار پژوهش، مؤلفه‌های خودکنترلی مورد تحلیل عاملی تأییدی قرار گرفت. بررسی پایایی مربوط به هر مقیاس نیز به واسطه روش همسازی دورنی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار این آماره برای متغیر خودکنترلی ۰/۹۰ و برای متغیر مصرف مواد و الکل ۰/۸۱ به دست آمده است، که پایایی قابل قبول و بالایی را نشان می‌دهد. در جدول ۱ نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول^۱ ابزار حاضر با استفاده از نرم‌افزار لیزرل^۲ گزارش شده است. در ادامه پارامترهای مدل اندازه‌گیری و شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری ارائه شده است:

۱۰۵

جدول ۱: پارامترهای تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول شاخص‌های خودکنترلی

ضریب همبستگی چندگانه	t**	β	گویه‌های مقیاس خودکنترلی	بعد
۰/۵۶	۱۷/۲۴	۰/۷۵	۱. من اغلب ناگهانی و بدون مقدمه عمل می‌کنم، بدون اینکه از قبل به نتیجه کارم فکر کرده باشم.	شخصیت
۰/۶۵	۱۹/۰۱	۰/۸۰	۲. من برای آینده‌ام فکر و تلاش زیادی نمی‌کنم.	
۰/۷۲	۲۰/۷۰	۰/۸۵	۳. من هر کاری را که باعث تفریح و شادی فوری‌ام شود انجام می‌دهم، حتی اگر این کارم به قیمت از دست دادن هدف درازمدتم تمام شود.	
۰/۴۶	۱۵/۰۰	۰/۶۸	۴. من بیشتر حواسم به آن چیزهایی است که در آینده نزدیک برایم رخ می‌دهد تا اینکه دلمشغولی آینده دور را داشته باشم.	

1. First-order Confirmatory Factor Analysis

2. LISREL

ضریب همبستگی چندگانه	t^{**}	β	گویه‌های مقیاس خودکنترلی	بعد
۰/۷۵	۲۱/۴۳	۰/۱۸۶	۵. من اغلب سعی می‌کنم که دنبال کارهای سخت بروم.	راحت‌طلبی
۰/۷۷	۲۱/۹۱	۰/۱۸۸	۶. وقتی که کارها سخت و دشوار می‌شوند، دلم می‌خواهد که از آن کارها دست بکشم.	
۰/۵۲	۱۶/۵۳	۰/۱۷۲	۷. کارهایی که در زندگی انجامشان از همه راحت‌تر است، بیشترین لذت را برایم دارند.	
۰/۶۱	۱۸/۳۶	۰/۱۷۸	۸. من از کارهایی که از من انرژی فکری واقعاً زیادی می‌برد متنفرم.	
۰/۵۲	۱۶/۶۰	۰/۱۷۲	۹. من بعضی وقت‌ها خودم را با انجام کاری که کمی خطرناک است امتحان می‌کنم.	خطرپذیری
۰/۸۰	۲۲/۹۱	۰/۱۸۹	۱۰. من گاهی اوقات دست به کارهای خطرناکی می‌زنم، آن هم به خاطر لذت و لطفش.	
۰/۸۶	۲۴/۲۴	۰/۱۹۳	۱۱. برای من گاهی اوقات انجام کارهایی که می‌تواند برایم دردسر درست کند لذت‌بخش و هیجان‌انگیز است.	
۰/۶۵	۱۹/۵۷	۰/۱۸۱	۱۲. برای من ماجراجویی و کارهای مهیج از احساس امنیت مهم‌تر است.	
۰/۵۷	۱۶/۰۲	۰/۱۷۶	۱۳. اگر دست خودم بود، به جای کار فکری همیشه کار جسمی انجام می‌دادم.	ترجیح فعالیت جسمانی
۰/۳۴	۱۱/۷۶	۰/۱۵۹	۱۴. تقریباً همیشه وقتی که در حال حرکت و جنب‌وجوش هستم، حس بهتری دارم تا اینکه بنشینم و فکر کنم.	
۰/۴۶	۱۳/۹۹	۰/۱۶۸	۱۵. من دوست دارم به جای اینکه کتاب بخوانم و درباره فکرهای مختلف تعمق کنم، از فضای خانه بیرون بیایم و خودم را مشغول کنم.	
۰/۰۵	۴/۲۴	۰/۲۳	۱۶. به نظر من، من نسبت به اکثر آدم‌های هم سن و سال خودم پرنرژی‌ترم و طالب کار و فعالیتیم.	
۰/۳۷	۱۲/۸۶	۰/۱۶۱	۱۷. من سعی می‌کنم که اول از همه حواسم به خودم باشد، حتی اگر این اخلاقم شرایط را برای دیگران سخت و دشوار کند.	خودمحوری
۰/۶۴	۱۸/۶۱	۰/۱۸۰	۱۸. من خیلی برای کسانی که دچار گرفتاری هستند دلم نمی‌سوزد.	
۰/۷۶	۲۰/۹۰	۰/۱۸۷	۱۹. اگر اوضاع و شرایط باعث ناراحتی دیگران می‌شود، این مشکل خودشان است نه اینکه مشکل من باشد.	
۰/۵۱	۱۵/۸۶	۰/۱۷۱	۲۰. من برای به‌دست آوردن آن چیزهایی که می‌خواهم مصمم هستم، حتی وقتی که می‌دانم این کارم برای دیگران دردسر درست می‌کند.	

ضریب همبستگی چندگانه	t**	β	گویه‌های مقیاس خودکنترلی	بعد
۰/۴۱	۱۳/۶۴	۰/۶۴	۲۱. من خیلی زود از کوره در می‌روم.	بهره‌مندی
۰/۶۸	۱۹/۲۵	۰/۸۲	۲۲. اغلب وقتی که از دست دیگران عصبانی‌ام، دلم می‌خواهد به آنها آسیب بزنم نه اینکه درباره دلیل عصبانیت‌م با آنها صحبت کنم.	
۰/۶۲	۱۸/۱۰	۰/۷۹	۲۳. وقتی که من عصبانی‌ام، بهتر است کسی به من نزدیک نشود.	
۰/۵۹	۱۷/۳۸	۰/۷۷	۲۴. وقتی که با کسی اختلاف‌نظر جدی داشته باشم، معمولاً برایم سخت است که با آرامش و بدون اینکه عصبانی شوم در مورد اختلاف‌نظرمان با او حرف بزنم.	

**P < ۰/۰۱

۱۰۷

در جدول ۲ برخی از مهم‌ترین شاخص‌های برازش تحلیل عامل تأییدی متغیر خودکنترلی ارائه شده است. نتایج جدول ۲ حاکی از آن است که تمامی شاخص‌ها در حد بسیار مطلوب گزارش شده‌اند و مدل با داده‌ها برازش بسیار نسبی دارد و این بیانگر همسو بودن گویه‌ها با سازه نظری است. در ادامه شکل تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول خودکنترلی که شامل بارهای عاملی و میزان خطاهای آنها است ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش تحلیل عامل تأییدی شاخص‌های خودکنترلی

میزان کفایت برازش	نام شاخص
۹۸۴/۲۴ (p=۰/۰۰۱)	خی دو (χ^2) و معناداری آن
۰/۰۶۷	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی ^۱
۰/۹۳	شاخص نرم شده برازش ^۲
۰/۹۵	شاخص برازش تطبیقی ^۳
۰/۹۰	شاخص نیکویی برازش ^۴
۰/۸۷	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده ^۵

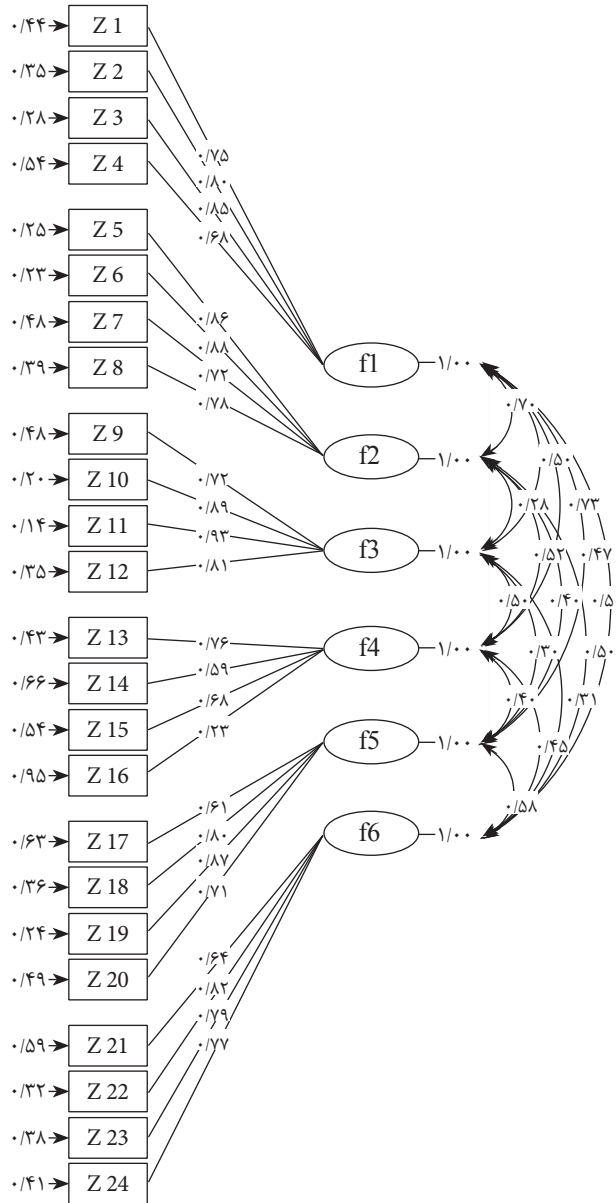
1. RMSEA: Root Mean Square Error of Approximation

2. NFI: Normed Fit Index

3. CFI: Comparative Fit Index

4. GFI: Goodness of Fit Index

5. AGFI: Adjusted Goodness of Fit Index



۱۰۸

Chi - Square=984.24, df=237, P-value=0.0000, RMSEA=0.067

شکل ۱: بارهای عاملی هر سؤال و میزان خطاهای آنها در تحلیل عاملی مرتبه اول شاخص‌های خودکنترلی

یافته‌ها

در جدول ۳ توزیع فراوانی و درصدی خودکنترلی دانشجویان - پس از هم ارز شدن و رتبه‌بندی شدن - گزارش شده است. براساس این نتایج، از مجموع دانشجویان دختر ۷/۲ درصد (۱۱ نفر) خودکنترلی پایین داشته‌اند، این مقدار برای دانشجویان پسر برابر با ۱۲/۲ درصد (۳۲ نفر) می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت میزان خودکنترلی پسران پایین‌تر از دختران است. همچنین از مجموع دانشجویان دانشگاه تهران ۸/۵ درصد (۱۷ نفر) خودکنترلی پایین داشته‌اند، این مقدار برای دانشجویان دانشگاه علامه برابر با ۱۲ درصد (۲۶ نفر) بوده است؛ بنابراین میزان خودکنترلی دانشجویان دانشگاه علامه پایین‌تر از دانشجویان دانشگاه تهران است. علاوه بر این می‌توان گفت که اکثریت دانشجویان خودکنترلی‌شان در حد متوسط بوده است.

۱۰۹

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی متغیر خودکنترلی بر حسب جنسیت و دانشگاه

دانشگاه		جنسیت						سطح	متغیر
		تهران		پسر		دختر			
علامه طباطبایی	تهران	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۷/۴	۱۶	۱۵/۰	۳۰	۹/۹	۲۶	۱۳/۲	۲۰	۲۰	بالا
۸۰/۶	۱۷۴	۷۶/۵	۱۵۳	۷۷/۹	۲۰۵	۷۹/۶	۱۲۱	۱۲۱	متوسط
۱۲/۰	۲۶	۸/۵	۱۷	۱۲/۲	۳۲	۷/۲	۱۱	۱۱	پایین
۱۰۰/۰	۲۱۶	۱۰۰/۰	۲۰۰	۱۰۰/۰	۲۶۳	۱۰۰/۰	۱۵۲	۱۵۲	جمع کل

در جدول ۴ توزیع فراوانی و درصدی متغیر وابسته (مصرف مواد و الکل) بر حسب جنسیت دانشجویان به تفکیک هر گویه گزارش شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود درصد دانشجویان دختر که حداقل یک‌بار مصرف «سیگار»، «قلیان»، «مواد مخدر»، «مشروبات الکلی» و «روانگردان» داشته‌اند، به ترتیب برابر با ۵/۳، ۱۱/۸، ۱/۳، ۴/۶ و ۲ درصد بوده است؛ مقدار حداقل یک‌بار مصرف این مواد برای دانشجویان پسر نیز به ترتیب برابر با ۶/۵، ۹/۵، ۴/۶، ۷/۶ و ۴ درصد می‌باشد. مصرف بیش از ۱۰ بار این مواد به ترتیب برای دختران برابر با ۲/۶، ۴/۶، ۱/۳ و ۱/۳ درصد و برای پسران به ترتیب برابر با ۱۷/۱، ۵/۳، ۱/۹، ۷/۲ و ۰/۸ درصد بوده است. بنابراین می‌توان گفت که مصرف مواد و

الکل در بین دانشجویان پسر به نسبت شایع تر از دختران است. جهت مشاهده اطلاعات دقیق تر به جدول زیر مراجعه شود.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی مصرف مواد و الکل دانشجویان بر حسب جنسیت

متغیر	گویه	جنسیت	پیش از ۱۰ بار							
			۱-۲ بار	۳-۴ بار	۵-۶ بار	۷-۸ بار	۹-۱۰ بار	بیش از ۱۰ بار		
مصرف مواد، الکل و روانگردان	دختر	تعداد	۴	۲	۱	۹	۸	۱۲۸	۱۵۲	
		درصد	۲/۶	۱/۳	۰/۷	۵/۹	۵/۳	۸۴/۲	۱۰۰/۰	
	پسر	تعداد	۴۵	۱۱	۱۵	۱۹	۱۷	۱۵۶	۲۶۳	
		درصد	۱۷/۱	۴/۲	۵/۷	۷/۲	۶/۵	۵۹/۳	۱۰۰/۰	
	مصرف مواد، الکل و روانگردان	دختر	تعداد	۷	۳	۱	۱۱	۱۸	۱۱۲	۱۵۲
			درصد	۴/۶	۲/۰	۰/۷	۷/۲	۱۱/۸	۷۳/۷	۱۰۰/۰
پسر		تعداد	۱۴	۹	۱۰	۲۶	۲۵	۱۷۹	۲۶۳	
		درصد	۵/۳	۳/۴	۳/۸	۹/۹	۹/۵	۶۸/۱	۱۰۰/۰	
مصرف مواد، الکل و روانگردان		دختر	تعداد	۲	۰	۱	۴	۲	۱۴۳	۱۵۲
			درصد	۱/۳	۰/۰	۰/۷	۲/۶	۱/۳	۹۴/۱	۱۰۰/۰
	پسر	تعداد	۵	۳	۸	۱۰	۱۲	۲۲۵	۲۶۳	
		درصد	۱/۹	۱/۱	۳/۰	۳/۸	۴/۶	۸۵/۶	۱۰۰/۰	
	مصرف مواد، الکل و روانگردان	دختر	تعداد	۲	۰	۰	۹	۷	۱۳۴	۱۵۲
			درصد	۱/۳	۰/۰	۰/۰	۵/۹	۴/۶	۸۸/۲	۱۰۰/۰
پسر		تعداد	۱۹	۱۱	۱۳	۱۳	۲۰	۱۸۷	۲۶۳	
		درصد	۷/۲	۴/۲	۴/۹	۴/۹	۷/۶	۷۱/۱	۱۰۰/۰	
مصرف مواد، الکل و روانگردان		دختر	تعداد	۱	۰	۰	۱	۳	۱۴۷	۱۵۲
			درصد	۰/۷	۰/۰	۰/۰	۰/۷	۲/۰	۹۶/۷	۱۰۰/۰
	پسر	تعداد	۲	۲	۸	۲	۱	۲۴۸	۲۶۳	
		درصد	۰/۸	۰/۸	۳/۰	۰/۸	۰/۴	۹۴/۳	۱۰۰/۰	

همچنین به منظور مقایسه میانگین مصرف مواد و الکل دانشجویان بر حسب جنسیت، از آزمون تی دونمونه‌ای مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است. براساس یافته‌های جدول فوق، میانگین مصرف مواد و الکل دانشجویان دختر برابر با ۷/۴۷ و مقدار این آماره برای دانشجویان پسر برابر با ۹/۸۰ می‌باشد. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است آماره تی برابر با ۵/۰۴۸- و سطح معناداری حاصل ($S = ۰/۰۰۱$) مطلوب می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین مصرف مواد و الکل دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، به طوری که پسران دانشجو مصرف مواد و الکل بیشتری داشته‌اند.

جدول ۵: نتایج آزمون تی دونمونه‌ای مستقل
پیرامون مصرف مواد و الکل دانشجویان بر حسب جنسیت

معناداری	t	آزمون لُون		خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها	
		معناداری	F						
۰/۰۰۱	-۵/۰۴۸	۰/۰۰۱	۳۶/۰۸	۰/۳۰	۳/۶۸	۷/۴۷	۱۵۲	دختران	جنسیت
				۰/۳۵	۵/۶۹	۹/۸۰	۲۶۳	پسران	

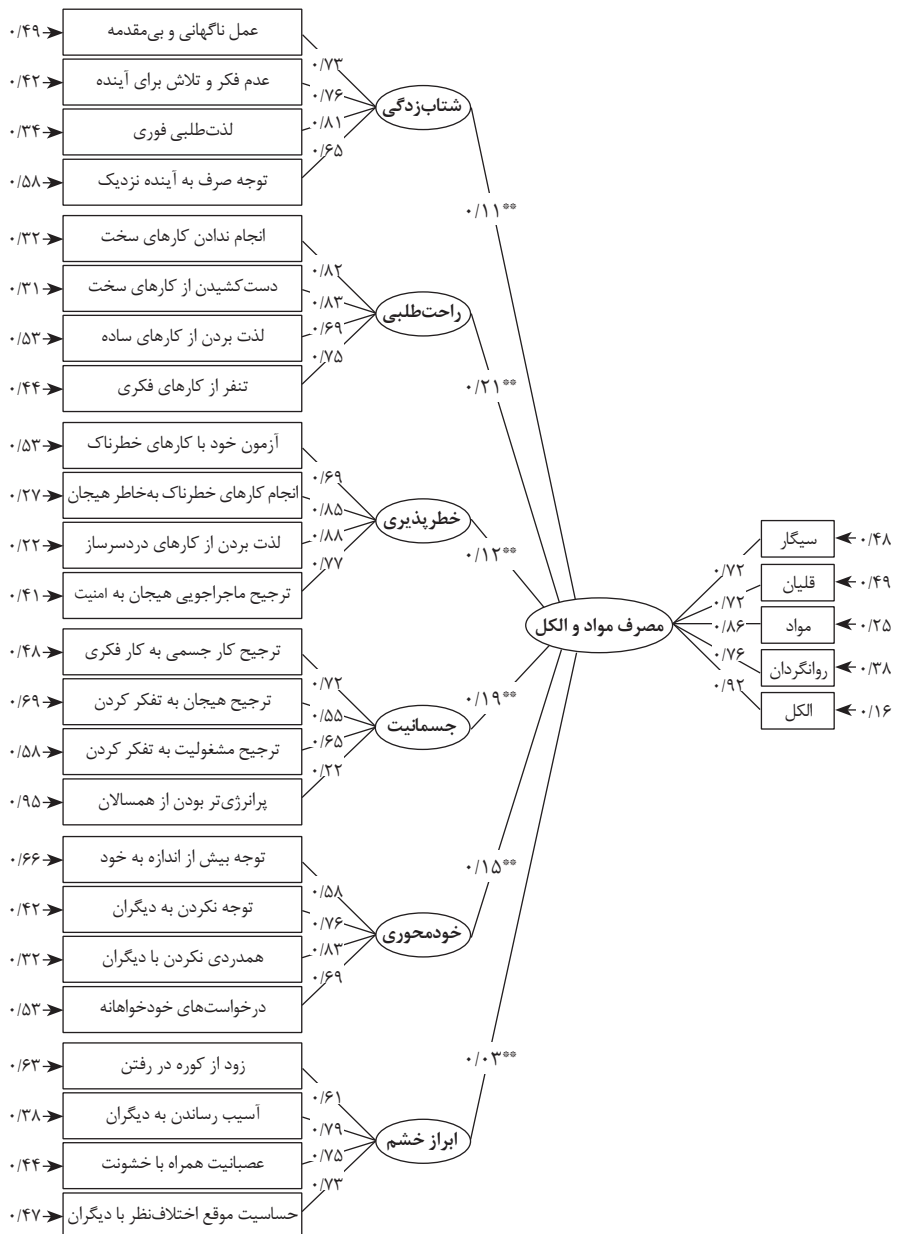
مدل معادلات ساختاری

مدل‌یابی معادلات ساختاری، تکنیک تحلیل چندمتغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. مدل‌سازی معادلات ساختاری به لحاظ روش‌شناختی از دقت بالایی برخوردار است زیرا با متغیرهای پنهان به عنوان سازه‌هایی برخورد می‌کند که در سنجش آنها خطا وجود دارد و به لحاظ کاربردی به واقعیت زندگی اجتماعی نزدیک می‌شود، چرا که در فضایی چندمتغیره امکان تحلیل داده‌ها را فراهم می‌آورد (هومن، ۱۳۹۰). این مدل را می‌توان با استفاده از نرم‌افزار لیزرل تحلیل کرد و برازش آن را برای جامعه‌ای که نمونه از آن استخراج شده آزمود. شکل ۲ مدل معادلات ساختاری تحقیق را نشان می‌دهد. در ادامه شاخص‌های تعیین برازش مدل کلی پژوهش ارائه شده است:

جدول ۶: شاخص‌های برازش مدل کلی معادلات ساختاری پژوهش

میزان کفایت برازش	نام شاخص
۱/۹۵	نسبت χ^2 دو درجه آزادی
۰/۰۷۵	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی
۰/۹۱	شاخص نرم شده برازش
۰/۹۳	شاخص برازش تطبیقی
۰/۹۲	شاخص نیکویی برازش
۰/۹۰	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده

همان‌طور که در جدول فوق آمده است، شاخص‌های تعیین برازش حاکی از این هستند که مدل معادلات ساختاری مربوط به مؤلفه‌های متغیر خودکنترلی به‌عنوان متغیر مستقل و متغیر مصرف مواد و الکل به‌عنوان متغیر وابسته برازش مطلوبی با داده‌های کلی پژوهش داشته است. یکی از شاخص‌های بررسی برازش مدل این است که نسبت χ^2 دو به درجه آزادی کمتر از ۲ باشد؛ اما در مدل‌های مربوط به نمونه‌های بزرگ - به دلیل حساس بودن مقدار χ^2 دو به حجم نمونه - معمولاً این نسبت بالاتر از ۲ به دست می‌آید، در این موارد سایر شاخص‌های تعیین برازش بررسی می‌شوند. یعنی اگر شاخص‌های نرم شده برازش، برازش تطبیقی، نیکویی برازش و نیکویی برازش تعدیل شده بیشتر از ۰/۸ باشند و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی کمتر از ۰/۱ باشد حاکی از برازش مطلوب مدل با داده‌ها خواهد بود. بر اساس ملاک‌های مذکور که در جدول فوق مندرج می‌باشند، تمامی شاخص‌ها در حد مطلوب گزارش شده‌اند و مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد و بیانگر این است که رابطه خطی بین متغیرها و سازه‌های مکنون وجود دارد. با توجه به ضرایب اثر (بتا β استاندارد) در مدل فوق، تمام مؤلفه‌های متغیر خودکنترلی به‌جز مؤلفه «ابراز خشم» تأثیر معناداری بر مصرف مواد و الکل دانشجویان داشته‌اند. به ترتیب اهمیت مؤلفه‌های «راحت طلبی»، «جسمانیت»، «خودمحوری»، «خطرپذیری» و «شتاب‌زدگی» با ضرایب بتا ۰/۲۱، ۰/۱۹، ۰/۱۵، ۰/۱۲ و ۰/۱۱ درصد بر مصرف مواد و الکل دانشجویان تأثیرگذار بوده‌اند. در میان مؤلفه‌های پنج‌گانه «مصرف مواد و الکل»، مؤلفه «مصرف الکل» بیشترین همبستگی را با این متغیر داشته است و پس از آن به ترتیب «مواد مخدر»، «روانگردان» و «قلیان» و «سیگار» با این متغیر همبستگی داشته‌اند.



شکل ۲: مدل معادلات ساختاری عوامل موثر بر مصرف مواد و الکل

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تأثیر میزان خودکنترلی به‌عنوان یک عامل درونی بر میزان مصرف مواد و الکل به‌عنوان نمونه‌ای از رفتارهای انحرافی شایع در میان دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد میزان خودکنترلی دانشجویان در حد متوسط بوده است. شایع‌ترین مواد مصرفی نیز، در بین دانشجویان پسر «سیگار» و بین دختران «قلیان» بوده است. نتایج آزمون تی نشان داد که بین دختران و پسران از حیث مصرف مواد و الکل تفاوت معناداری وجود دارد، به‌طوری‌که مصرف مواد و الکل در بین دانشجویان پسر بیشتر از دختران است. نتایج مدل معادلات ساختاری نیز نشان داد که تمام مؤلفه‌های خودکنترلی، به‌جز مؤلفه «ابزار خشم»، تأثیر معناداری بر مصرف مواد و الکل دانشجویان داشته‌اند؛ به‌ترتیب اهمیت مؤلفه‌های «راحت‌طلبی»، «جسمانیت»، «خودمحوری»، «خطرپذیری» و «شتاب‌زدگی» بر مصرف مواد و الکل دانشجویان تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که خودکنترلی یکی از عوامل مهم و مؤثر، تبیین‌کننده مسئله مصرف مواد و الکل دانشجویان است.

براساس مفروضات نظریه عمومی جرم، ارتکاب به جرم و انحراف بستگی به سطح خودکنترلی افراد دارد؛ به‌طوری‌که هر چه قدر سطح خودکنترلی افراد پایین‌تر باشد تمایل به ارتکاب جرم بیشتر است و بالعکس. نکته مهم اینکه مصرف مواد و الکل تنها پیامد منفی خودکنترلی پایین افراد نیست بلکه در جریان زندگی این افراد و در موقعیت‌های مختلف به شکل‌های متفاوت‌تر و احتمالاً جدی‌تر و خطرناک‌تر رفتارهای انحرافی متجلی خواهد شد. از آنجا که شیوع این گونه رفتارها صرفاً تبعات فردی نداشته و پیامدهای آن دامن‌گیر کل جامعه است، پیشنهاد شده است که به‌نقش خانواده به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در افزایش خودکنترلی فرزندان و به‌تبع آن کاهش رفتارهای انحرافی به‌طور عام و مصرف مواد و الکل به‌طور خاص توجه ویژه‌ای شود. منشأ خودکنترلی ضعیف را باید در خانواده و ناکارآمدی جامعه‌پذیری فرد در دوران کودکی یافت، خواه پیوند اجتماعی قوی یا ضعیف باشد. بنابراین، هرگاه تمام امور دیگر مساوی باشد، خودکنترلی پایین به‌طور مثبت و معنی‌دار، انواع رفتارهای انحرافی و مجرمانه را پیش‌بینی می‌کند (پولاکاوسکی، ۱۹۹۴: ۶۲). فقدان خودکنترلی و نقش خانواده در عدم تکامل آن، بدان معنا نیست که فرد حتماً انحراف پیدا خواهد کرد، بلکه، این امر شرایطی را به‌وجود می‌آورد که زمینه را برای بزهکاری مساعد می‌کند (گرسمیک، ۱۹۹۳ و آرنکلو و همکاران، ۱۹۹۳).

علاوه بر این نتایج این پژوهش نشان داد که مسئله مصرف مواد و الکل یک مسئله جنسیتی است. به این معنا که جنسیت در تبیین مصرف مواد و الکل و میزان آن تأثیرگذار بوده است به طوری که دانشجویان پسر به طور معناداری مصرف مواد و الکل بیشتری نسبت به دختران داشته‌اند. جامعه‌شناسان حوزه انحرافات، روان‌پزشکان حوزه بالینی و همه‌گیرشناسی از دیرباز به بررسی تأثیر جنسیت بر میزان ارتکاب رفتارهای انحرافی، اختلالات روانی و اختلالات سوء مصرف مواد علاقه نشان داده‌اند. چنین علاقه‌ای تعجب‌آور نیست، چرا که به ندرت می‌توان اختلالی پیدا کرد که جنسیت بر میزان خطر بروز آن تأثیر نداشته باشد. اکثریت قریب به اتفاق پژوهش‌های مربوط به اختلالات همه‌گیرشناختی روانی و انحرافات که در طول ۲۰ سال گذشته در ایالات متحده و دیگر نقاط جهان انجام گرفته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که زنان به میزان بسیار بیشتری در معرض ابتلا به اختلالات معطوف به درون (خود شخص) و مردان به میزان بسیار بیشتری در معرض گرفتار شدن به اختلالات معطوف به بیرون (جامعه) هستند. این نتیجه کاملاً هماهنگ با یافته‌های پژوهش حاضر است. چون میزان ارتکاب رفتارهای انحرافی در زنان و مردان متفاوت بوده و میزان رفتارهای انحرافی مردان به نحو معناداری بالاتر از زنان به دست آمده است. تبیین‌های فرهنگی و اجتماعی درباره تفاوت‌های جنسیتی و رفتار انحرافی بر این فرض استوار است که فرهنگ منبع اصلی بروز چنین تفاوت‌هایی است. به این ترتیب که رفتار افراد از طریق فرایندهای اجتماعی جهت انطباق با انتظاراتی که از هر جنس می‌رود، شکل می‌گیرد. بنابراین تفاوت‌های جنسیتی را می‌توان از طریق دستکاری فرایندهای اجتماعی ایجاد کرد. به عبارت دیگر، تفاوت‌های جنسیتی نتیجه سازگاری‌های متفاوت در روبرو شدن با مشکلات در طول تاریخ است.

منابع

۱. بشیریان، سعید؛ علیرضا حیدرنیا؛ حمید الهوردی پور و ابراهیم حاجی زاده. (۱۳۹۱). بررسی رابطه خودکنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف مواد مخدر. ادب پژوهی. ۶(۲۰): ۵۳-۴۵.
۲. بوالهروی، جعفر؛ فرهاد طارمیان و حمید پیروی. (۱۳۸۵). شیوع شناسی مصرف مواد و عوامل خطر و محافظت کننده در دانشجویان شهر تهران. تهران: دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۳. جزایری، علیرضا. (۱۳۸۱). نگاهی به وضعیت بازار مواد مخدر در ایران و سایر کشورها. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال دوم. شماره ۵: ۳۰۰-۲۷۱.
۴. حسینی نثار، مجید و ابراهیم فیوضات. (۱۳۹۰). نظریه های انحرافات اجتماعی. چاپ اول. تهران: نشر پژوهش.
۵. خدایاری فرد، محمد؛ روح الله شهبابی و سعید اکبری زردخانه. (۱۳۸۸). دینداری، خودکنترلی و گرایش به مصرف مواد در دانشجویان. فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۳۴: ۱۳۰-۱۱۵.
۶. ستاد مبارزه با مواد مخدر. (۱۳۸۶). اهمیت و ضرورت مسئله اعتیاد و میزان شیوع آن در سراسر کشور.
۷. سراج زاده، سیدحسین و ایرج فیضی. (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان. نامه علوم اجتماعی. ۳۱: ۱۰۲-۸۱.
۸. سرگلزایی، محمدرضا؛ مهدی بلالی؛ رضا آزاد؛ محمدرضا اردکانی و علی اکبر ثمری. (۱۳۸۲). مطالعه فراوانی سوء مصرف مواد مخدر و ارتباط آن با وضعیت فردی و خانوادگی دانشجویان پزشکی مشهد. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال سوم. شماره ۹: ۲۹۴-۲۸۳.
۹. سهرابی، فرامرز؛ سعید اکبری زردخانه؛ صدیقه ترقی جاه؛ محمدرضا فلسفی نژاد؛ حمید یعقوبی و ولی الله رضانی. (۱۳۸۸). مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه های دولتی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۱۰(۳۴): ۸۲-۶۵.
۱۰. شمس علیزاده، نرگس؛ مرضیه مقدم؛ محسن پوربهباد و نرگس رستمی کوران. (۱۳۸۷). شیوع مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان. ۱۳ (۲): ۲۶-۱۱.
۱۱. صرامی، حمید؛ مجید قربانی و منصور تقوی. (۱۳۹۲). بررسی دو دهه تحقیقات شیوع شناسی مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه های ایران. فصلنامه اعتیاد پژوهشی. شماره ۲۷: ۳۶-۹.
۱۲. طارمیان، فرهاد؛ جعفر بوالهروی؛ حمید پیروی و محمود قاضی طباطبایی. (۱۳۸۶). شیوع مصرف مواد در میان دانشجویان شهر تهران. فصلنامه روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران. ۴(۱۳): ۳۳۵-۳۴۲.
۱۳. علیوردی نیا، اکبر. (۱۳۸۸). اثربخشی برنامه های معتادان گمنام در نگرش به معتادان به مواد

- مخدر. فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران. ۷: ۱۷۷-۱۴۴.
۱۴. علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۸۵). مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال پنجم، شماره ۲۰: ۲۱۲-۱۹۳.
۱۵. علیوردی‌نیا، اکبر؛ محمود شاعرپور و فاطمه مرادی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی. ۱(۴): ۹۷-۶۹.
۱۶. علیوردی‌نیا، اکبر و اعظم همتی. (۱۳۹۲). تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. ۷: ۱۰۲-۷۷.
۱۷. کردمیرزا، عزت‌الله؛ حسین آزاد و حسین اسکندری. (۱۳۸۲). هنجاریابی آزمون آمادگی اعتیاد به منظور شناسایی افراد مستعد سوء مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. فصلنامه اعتیادپژوهی. ۱(۲): ۸۰-۴۷.
۱۸. محسنی تبریزی، علیرضا؛ علیرضا جزایری و نعمت‌الله بابایی. (۱۳۸۹). فراتحلیل مطالعات مربوط به سوء مصرف مواد با رویکرد روانی اجتماعی طی یک دهه و نیم گذشته. (۱۳۷۰-۱۳۸۴). فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی). ۱(۱): ۲۰۰-۱۷۵.
۱۹. محمدخانی، شهرام. (۱۳۸۶). مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر: ارزیابی اثر مستقیم و غیرمستقیم عوامل فردی و اجتماعی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی. ۶: ۱۷-۵.
۲۰. مقصودی، محمدباقر. (۱۳۸۴). بررسی گرایش دانشجویان به مواد مخدر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان.
۲۱. ولد، جرج برایان. (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری. علی شجاعی. تهران: سمت.
۲۲. ولش، کلی. (۱۳۸۹). درآمدی بر دو نظریه تراویس هیرشی. بهروز جوانمرد. تعالی حقوق. ۲(۴): ۱۱۶-۱۰۳.
۲۳. ویلیامز، فرانک پی؛ ماری لین مک‌شین. (۱۳۹۱). نظریه‌های جرم‌شناسی. حمیدرضا ملک‌محمدی. چاپ چهارم. تهران: میزان.
۲۴. وینفری، توماس ال. (۱۳۸۸). نظریه‌های جرم‌شناسی. سیدرضا افتخاری. گناباد: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۵. هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۰). تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری. تهران: پیک فرهنگ.

26. Arneklev, B.; H.Grasmick; C.Tittle & R. Bursik. (1993). Low Self-control and Imprudent Behavior. *Journal of Quantitative Criminology*. 9: 225-247.

27. Brownfield, D. & A. Sorenson. (1993). Self-control and Juvenile Delinquency: Theoretical Issues and an Empirical Assessment of Selected Elements of a General Theory of Crime.

Deviant Behavior. 4: 243-264.

28. Cheung, W. Nicole & W. Yuet Cheung. (2008). Self-control, Social Factors, and Delinquency: a Test of the General Theory of Crime among Adolescents in Hong Kong. *Journal of Youth and Adolescence*. Vol (37): 412- 430.

29. Cheung, W. Yuet. (2010). Strain, Self- control, and Gender Diefferences in Delinquency among Chinese Adolescents: Extending General Strain Theory. *Sociological Perspectives*. Vol (53): 321– 345.

30. Gottfredson, M. & T. Hirschi. (1990). *A General Theory of Crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.

31. Grasmick, H.; R. Bursik & B. Arneklev. (1993). Reduction in Drunk Driving as a Response to Increased Threats of Shame, Embarrassment, and Legal Sanctions. *Criminology*. 31: 41-67.

32. Greenberg, D. F. (1994). The Historical Variability of the Age- crime Relationship. *Journal of Quantitative Criminology*. 10(4): 361-373.

33. Hay. Carter (2001). Parenting, Self-Control, and Delinquency: A Test of Self-control Theory. *Criminology*. 39(3): 707-736.

34. Longshore, D. & S. Turner. (1998). Self-control and Criminal Opportunity. *Criminal Justice and Behavior*. 25: 81-98.

35. Piquero, A. & S. Tibbetts. (1996). Specifying the Direct and Indirect Effects of Self-control and Situational Factors in Offenders' Decision Making: Toward a More Complete Model of Rational Offending. *Justice Quarterly*. 13: 481-510.

36. Polakowski, M.(1994). Linking self and Social Control with Deviance: Illuminating the Structure Underlying a General Theory of Crime. *Journal of Quantitative Criminology*. 10: 41-78.

37. Pratt, T. C. & F.T. Cullen. (2000). The Empirical Status of Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime: A Meta-analysis. *Criminology*. 38: 931-964.

38. Siegel. L. J. (2001). *Criminology: Theories, Patterns, and Typologies*. (7th ed). University of Massachusetts.

39. Vazsonyi, A. & J. Crosswhite. (2004). A Test of Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime in African American Adolescents. *Journal of Research on Crime and Delinquency* 41: 407-432.

40. Vera, P. Eliseo & Moon. Byongook. (2013). An Empirical Test of Low Self-control Theory among Hispanic Youths. *Youth Violence and Juvenile Justice*. Vol (11): 179- 193.

41. Wood, P.; B. Pfefferbaum & B. Arneklev. (1993). Risk-taking and Self-control: Social Psychological Correlates of Delinquency. *Journal of Crime and Justice*. 16: 395-418.